

افسانه خط‌مشی صنعتی ژاپن

شاید عجیب‌ترین واقعیت آن باشد که برخلاف آنچه که طرفداران خطی مشی صنعتی ملی ادعا می‌کنند، اکثر وام‌هایی که اخیراً به کسب‌وکار ژاپن پرداخت شده است از طرف بخش خصوصی پرداخت شده است. به عبارت دیگر هیچ هدف‌گذاری مالی بزرگی برای صنایع از طرف دولت انجام نشده است. در واقع صنایعی که از کمک مالی دولت بهره‌مند شده‌اند از نظر سیاسی قدرتمند بوده‌اند، اما از نظر اقتصادی نه...

شاید عجیب‌ترین واقعیت آن باشد که برخلاف آنچه که طرفداران خطی مشی صنعتی ملی ادعا می‌کنند، اکثر وام‌هایی که اخیراً به کسب‌وکار ژاپن پرداخت شده است از طرف بخش خصوصی پرداخت شده است. به عبارت دیگر هیچ هدف‌گذاری مالی بزرگی برای صنایع از طرف دولت انجام نشده است. در واقع صنایعی که از کمک مالی دولت بهره‌مند شده‌اند از نظر سیاسی قدرتمند بوده‌اند، اما از نظر اقتصادی نه.

کشاورزان از انواع حمایت به شکل سوبسید و محدودیت در واردات برخوردار هستند معادن زغال‌سنگ می‌توانند از وام کم بهره استفاده کنند، اما با این حال تولید از ۴۵ میلیون تن در سال ۱۹۶۲ به ۱۹ میلیون در سال ۱۹۷۸ کاهش یافته است. صنعت کشتی‌سازی نیز از وام کم‌بهره برخوردار است. البته بعد از سال ۱۹۷۷، ۴۶۰۰۰ کارگر اخراج شدند و هم‌اکنون از ۳۵ درصد ظرفیت استفاده می‌کند. پالایشگاه نفت، پتروشیمی و آلومینیوم نیز از کمک‌های دولت بهره‌مند هستند، اما هیچ یک از این صنایع دلیل اصلی نرخ بالای رشد ژاپن نبوده‌اند. رمز موفقیت ژاپن شاید سیاست دولت در کنترل نمودن مخرج و سرمایه‌گذاری‌ها و برقراری فضای مناسب کسب و کار در کشور بوده است.

آیا درست است که به‌رغم برخورداری از سیاست کلی حمایت از شرکت‌ها، صنایع اقتصادی ما در حال نابودی هستند؟ شاید نگاهی اجمالی به آمارها قضیه را روشن کند.

نتیجه‌گیری

اگر خواهان آن هستیم که یک اقتصاد را از بین ببریم، نقش سیستم قیمت‌گذاری، تخصیص منابع و عرضه و تقاضا از موارد حیاتی هستند که باید مورد نظر داشته باشیم. چنانکه فردریک هایک اظهار کرد، مساله اصلی در اقتصاد این است که دانش همه زمینه‌های مربوطه «هرگز به یک شکل یکپارچه و جمع‌آوری شده وجود ندارد، اما به طور جداگانه و به صورت دانشی ناقص و جسته‌گریخته در میان افراد زیادی پراکنده شده است، به گونه‌ای که هر کس بخشی از آن را دارد.» این امر دلیل اصلی عجز همه طراحان، از طراحی برنامه ۵ ساله گرفته تا خط‌مشی صنعتی، می‌باشد. فهم علت این امر یک موفقیت بزرگ است. به همین دلیل است که وجود گروه‌هایی برای آموزش اقتصادی مهم است. هر وقت هر یک از ما در جهت افزایش درک خود از وضعیت و سازوکار بازار تلاش نمود، آن گاه است که ما به یک جامعه آزادتر و لایق‌تر نزدیک می‌شویم. /

یکی از نمونه‌های قابل‌توجه طرفداران خط‌مشی صنعتی ملی، کشور ژاپن است. بر اساس این نسخه، تحول اقتصادی ژاپن به واسطه رهنمودهای وزیر صنایع و بازرگانی بین‌المللی این کشور انجام شد. بنابراین آنچه که ما باید انجام دهیم راه‌اندازی وزارت صنایع و بازرگانی بین‌المللی بومی است تا بهبود اقتصادی آینده از آن ما باشد. قبل از این که این کار را انجام دهیم، بد نیست ببینیم که این وزارتخانه در ژاپن چه کاری انجام داده است. آیا تحول اقتصادی ژاپن تنها به واسطه وزارت صنایع و بازرگانی بین‌المللی این کشور بوده است؟ یا به دلیل سیاست محدودیت دولت و عدم مداخله دولت در امور اقتصادی؟

در اواخر جنگ جهانی دوم ژاپن چه از نظر نظامی و چه از نظر اقتصادی کاملاً نابود شده بود. دو شهر هیروشیما و ناگازاکی، با بمب‌های اتمی ویران شده بودند. غذا کم بود و فقط ۱۶ درصد از زمین‌های ژاپن قابل کشت بود. در سال ۱۹۴۷ بیش از نیمی از جمعیت ژاپن وارد کار کشاورزی شدند. به‌رغم فقدان سرمایه و فن آوری، ژاپن دارای نیروی کار زیاد و ارزان بود. بنابراین صنایع کارگرم‌محور شروع به تولید محصولات هم‌چون مواد غذایی، پارچه، ظروف سفالی و نوشیدنی نمودند. این صنایع صادراتی، ارز وارد ژاپن نمود و این کشور را قادر به وارد نمودن فن آوری خارجی، مواد اولیه و تخصص مدیریتی نمود.

به دنبال ادامه رشد در سال ۱۹۶۰ کم‌کم صنایع سرمایه‌محور به وجود آمدند که محصولاتی چون خودرو، موتورسیکلت، تلویزیون، رادیو و دوربین تولید می‌کردند. موفقیت ژاپن در صادر نمودن این کالاها نتیجه کار هزاران کارخانه خصوصی بود که مواد اولیه ارزان را وارد می‌کرد و با استفاده از فن آوری خارجی به تولید می‌پرداختند. نقش به خصوص دولت ژاپن و وزارت صنایع و بازرگانی خارجی در این برهه چه بوده است؟

در دهه ۱۹۵۰ وزارت صنایع و بازرگانی بین‌المللی به این نتیجه رسید که دیگر امکان دادوستد ترانزیستورها وجود ندارد. با این همه تغییر در ترانزیستورها یک ایده انقلابی به حساب می‌آمد. بنابراین برای دو سال این وزارتخانه از تلاش سونی برای کسب اجازه تولید از وسترن الکتریک ممانعت کرد. همچنین این وزارتخانه بر این باور بود که خودروسازی ژاپن توان رقابت جهانی ندارد. بنابراین آنها تلاش کردند تا تولیدکننده‌ها را از صادر کردن متصرف کنند. به علاوه این وزارتخانه فکر می‌کرد که تعداد خودروسازهای ژاپنی بیش از اندازه است و بنابراین آنها را مجبور نمود تا تلفیق شوند و کلاً به دو خودروساز نیشان و تویوتا تبدیل شدند. جالب این جا است که وزارت صنایع و بازرگانی بین‌المللی نتوانست جامعه کسب و کار ژاپن را وادار به انجام عقایدش کند. رابرت ریچ به صنعت نیمه‌رسانای ژاپن به عنوان یکی از صنایعی که دولت به درستی مورد حمایت قرار داده اشاره می‌کند. اما اگر نگاه دقیق تری به آمار بیندازیم، دولت آمریکا ده برابر ژاپن در این صنعت سرمایه‌گذاری نمود. بنابراین سرمایه‌گذاری دولت علت موفقیت صنعت نیمه‌رساناها در ژاپن نیست. در واقع سهم دولت ژاپن در همه برنامه‌های تحقیق و توسعه بسیار ناچیز است. این رقم در آمریکا ۳۸ درصد، ولی در ژاپن ۲۸ درصد است.

طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ دولت ژاپن به بازسازی زیرساخت‌های کشور توجه زیادی نمود. جاده‌ها، بندر و فرودگاه‌ها نمونه‌های این بازسازی بودند. در این مدت دولت بودجه خود را متعادل نمود و مالیات‌ها پایین نگه داشته شد. سیستم مالیات، پس‌اندازها را جریمه نمی‌کرد و از همان موقع تاکنون سهم درآمد ملی حاصل از مالیات آن بین کشورهای توسعه‌یافته کمترین بوده است. به علاوه خرابی‌های جنگ جهانی دوم قدرت غول بوروکراتیک قدیمی، ژاپاتسو را نیز از بین برد و حس رقابت را جایگزین آن کرد.